



مقدمه

به نام فداوند جان و فرد
کرینت برتر اندیشه بزنگزد

دانش آموزان گرامی

دوره دوم متوسطه، شما را برای زندگی و کار در جامعه و تحصیل در دوره‌های بالاتر آماده می‌کند. اگر بگوییم آینده شغلی شما بستگی به موفقیت تحصیلی شما در این دوره سه ساله دارد، اغراق نکرده‌ایم. شما برای موفقیت در این دوره باید تلاش کنید و از مشاوران و معلمان و کتاب‌های مناسب برخوردار شوید.

ما در انتشارات مبتکران، بسیار خرسندیم که کتاب‌های عربی زبان قرآن از مجموعه «مرشد» را در اختیار شما قرار می‌دهیم. کتاب‌های این مجموعه برای دانش آموزانی به رشتة تحریر در آمده است که مایلند در بهترین رشتة‌های گروه‌های آزمایشی فنی مهندسی و پزشکی دانشگاه‌های بنام کشور تحصیل کنند..

مؤلفان کتاب‌های عربی مرشد پس از ارائه درسنامه جامع، بانک سؤال کاملی را در اختیار شما قرار می‌دهند که شامل پرسش‌های چهارگزینه‌ای کنکور و پرسش‌های تأییفی است. این پرسش‌ها براساس فصل‌ها و بخش‌های کتاب درسی طبقه‌بندی شده‌اند.

مطالعه پاسخ‌نامه تشریحی همراه با نکته‌های کلیدی و آموزنده، موفقیت شما را تسهیل خواهد کرد. در پایان، وظیفه خود می‌دانیم از مؤلف محترم این کتاب، سرکار خانم خدیجه علیپور و دییر محترم مجموعه آقای مهندس هادی عزیززاده تشکر کنیم.

هم چنین از خانم‌ها نگار امیری (حروف‌چین) و سپیده خداوردی (صفحه‌آرا) و بهاره خدامی (گرافیست) و مینا هرمزی (طراح جلد) بسیار ممنونیم و برای همه این عزیزان آرزوی موفقیت می‌کنیم.

انتشارات مبتکران



فهرست

٧	لَكْسُ الْأَلْ	نَ آيَاتِ الْمُخْلَقِ
٤٥	لَكْسُ الْثَّانِي	فِي حَضُورِ الْمَعْدِمِ
٧٧	لَكْسُ الْثَّالِثُ	جَبَابُ الْشَّجَارِ
١٠٩	لَكْسُ الرَّابِعُ	آدَابُ الْكَوْمِ
١٣٩	لَكْسُ الْخَامِسُ	لِكْبُ هَفْتَاجُ لُكْ شُو (صَلَى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)
١٧٥	لَكْسُ السَّلْدِينُ	آتَهُ مَارِي شِيفِي
٢٠٥	لَكْسُ السَّلْجُ	تَأثِيرُ الْغُلَّهِ الْفَارَسِيَّهُ عَلَى الْغُلَّهِ الْفَريَهِ



Edited with the trial version of
Foxit Advanced PDF Editor
To remove this notice, visit:
www.foxitsoftware.com/shopping

BISTAKMETAB





ترجمه درس اقل

من آیاتِ لَّلْخَلَاقِ

از آیه‌های اخلاق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«به نام خداوند بخشایندۀ مهربان.»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید نباید قومی قومی دیگر را مسخره کند
(شاید [ایشان] بهتر از آن‌ها باشد)
و نه زنانی زنان دیگر را، شاید [آنان] بهتر از اینان باشند
واز هم عیب‌جویی نکنید و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید
بدکار چه نام بدی است پس از ایمان آوردن
و هر کس توبه نکرد پس آنان همان ستمکارانند

۱. هُيَا أَلَّهُ لَّدِينَ آتُوا لَا يَسْتَخْرُقُونَ قَوْمٍ
۲. عَنِ الْأَنْعَمِ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مُّهْنَمِ
۳. وَلَا إِنْسَاءٌ إِنْسَاءٌ عَنِ الْأَنْعَمِ خَيْرًا مُّهْنَمِ
۴. وَلَا يُؤْمِنُوا أَنْفُكُمْ وَلَا تَنذِرُوا بِالْلَّاقَابِ
۵. بَيْنَ السِّمْفُونِ الْفُسُقُ بَعْدَ إِلِيمَانِ
۶. وَمَنْ لَمْ يُتَبْ فَأُولَئِكُمُ الظَّالِمُونَ
۷. يَا أَلَّهُ لَّدِينَ آتُوا إِلَهُوا كَيْرًا إِنَّ الظَّنَّ إِنْمَاءٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان [ها] پیرهیزید که برخی از گمان [ها] گناه است

و جاسوسی نکنید و نباید غیبت هم‌دیگر را بکنید

۸. وَ لَا يَجْسُسُوا وَلَا يُبَثِّبُوكُمْ بَخْنَا

آیا کسی از شما دوست دارد گوشت برادر خود را، که مرده باشد، بخورد؟

۹. أَعْجَبُ أَحْكَمُ أَنْ يَأْكُلَ الْجَنِيَّهُ مُبْتَأِ
۱۰. فَكَرِرْتُ هُوَهُ أُقَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَبُّرْ رَحِيمٌ «مُّكَحَّوَاتٌ: ۱۱ و ۱۲»

پس آن را ناپسند شمارید و از خدا پروا کنید که خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.

گاهی میان مردم، کسی که او از ما نیکوتر است، می‌باشد،
پس ما باید از خود پسندی دوری کنیم
و عیب‌های دیگران را نشماریم

۱۱. قَدْ يَكُونُ يَنِّ اللَّسِ مَنْ هُوَ أَحَنُّ لِهِ ،
۱۲. فَلَمَّا أَنْ يَقْتَلَ عَنِ الْأَعْيُوبِ
۱۳. وَأَنْ لَمْكُو عُبُوبَ لَلْخَوَىنَ

با کلامی پنهان یا با اشاره‌ای.

۱۴. بَلَامٌ حَلَوٌ بِإِشَارَةٍ

۱۵. مَقَالَ أَمِيرٌ لُّؤْمِينَ لَكُلِّيٌّ عَلَيْهِ التَّلَامِ: « أَكُو لَيْبِ أَنْ تَعِيَّبَمَا فِيكَ هُوَهُ »

پس امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: «بزرگ‌ترین عیب این است که آن‌چه مانندش در تو است را عیب‌جویی کنی.»

۱۶. تَصْحَا لَلَّهُ أَلْأَمِ وَلَوْ قُولُ لَأَقْبُوا لَلْخَوَىنَ

آیه نخست ما را نصیحت می‌کند و می‌گوید: از دیگران عیب‌جویی نکنید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





و به آن‌ها لقب‌هایی را ندهید که آن‌ها را ناپسند می‌دارند.

۱۷. وَلَا تُبُوْهُم بِالْقَابَ يَكْرَهُوهَا.

۱۸. إِبْسَنْ كُلُّ الْفُسُوقَ وَعَنْ ثُلُّ ذِلْكَهُوْ مِنَ الظَّلَمِينَ

آلوهه شدن به گناه چه کار بدی است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران خواهد بود.

بنابراین خداوند بلندمرتبه در این دو آیه حرام کرده است:

۱۹. إِنَّمَا سُتُّهُ زَاعِلَةً لَّهُوَ فِي هَاهِينَ الْتَّيْنِ
ریشخند کردن دیگران را، و نام دادن آن‌ها به اسم‌های زشت.

۲۰. لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
بدگمانی را، و آن تهمت زدن شخصی به شخصی بدون دلیلی منطقی است.

۲۱. سَوَءَ الْقَطْنَ وَ هُوَ أَهَمُّ شَخْصٍ لِّتَخْصِّصٍ بِدُونِ دَلِيلٍ مَّنْظِيٍّ
جاسوسی کردن را، و آن تلاشی زشت برای آشکار کردن رازهای مردم به منظور رسوابی آن‌ها است.

۲۲. إِنَّهُ بَحْسَنَ وَ هُوَ مُحْمَدٌ قَبِيْحَةٌ لِّكَفِيْهِ أَسْرَارِ اللَّهِ لَّا صَحِّهِمْ
و آن از گناهان بزرگ و از اخلاق‌های زشت در مکتب ماست.

۲۳. وَ هُوَ مِنْ كَلِّ الْذُنُوبِ فِي مَكَبَاتِهِ وَ مِنْ لِلْخَلَاقِ اللَّيْلَةِ
و غیبت کردن را، و آن از مهم‌ترین دلایل قطع ارتباط میان مردم است.

۲۴. وَ لِلْحَيَةِ وَ هِيَ مِنْ أَهْمَّ أَسْبَابِ قَلْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ
برخی از مفسوان سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، به سوره اخلاق نام نهاده‌اند.

۲۵. سَعِيَ بَعْضُ الْقَوْنَ سَوَرَةَ الْمُهُوْرَاتِ لَتِلِي جَاءَتِهِمْ هَاتَانِ الْتَّيْنِ بِسَوَرَةِ لِلْخَلَاقِ
برخی از مفسوان سوره حجرات را که این دو آیه در آن آمده است، به سوره اخلاق نام نهاده‌اند.





قواعد درس اول

لُمُ الْفَضْلِ وَ لُمُ الْعَكَانِ

بِكَرٌ

مُهِنْدِسْ زَيْنُ الدِّينْ بِزَادَةْ

اسم تفضيل: اسمی است که برای بیان برتری کسی یا چیزی و یا «کمتر» و یا «زیادتر» بودن صفتی در موردی نسبت به مورد دیگر را بیان می‌کند.

* **اسم تفضيل مذکور:** بر وزن «أله» ساخته می‌شود.

﴿مُثَالٌ﴾: أَنْهَمْ، أَنْهِ، أَنْهَوْ (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

﴿مُثَالٌ﴾: عَلَى أَصْفَوْمَنْاخِيَه. (علی از برادرش کوچک‌تر است.)

* **اسم تفضيل مؤنث:** بر وزن «هُلَهِ» ساخته می‌شود.

﴿مُثَالٌ﴾: عُلْهَى، هُلْهِى، حُلْهِى (بزرگ‌تر - سنگین‌تر - کوچک‌تر)

﴿مُثَالٌ﴾: نَحْنُ عِيشُفِي الْقَوِيَةِ الْعَلِيَّةِ: ما در روستای کوچک‌تر زندگی می‌کنیم.

﴿نکته ۱﴾: کلماتی که بر وزن «أله» می‌آیند در صورتی اسم تفضيل هستند که بر رنگ و عیب دلالت نکنند.

برخی رنگ‌ها در زبان عربی: «أحْوَ» (قرمز)، «أَزْقَ» (آبی)، «أَسْوَ» (سیاه)، «أَيْضَ» (سفید)، «أَصْفَ» (زرد)، «أَخْضَ» (سبز).

برخی عیب‌ها در زبان عربی: «أَحَقَ» (کم عقل)، «أَقْتَ» (بریده شده)، «أَعْجَجَ» (کج، خمیده)، «أَعْجَجَ» (ملگ)، «أَصَمَّ» (کو ناشنو)، «أَبَكَ» (کر و لال)، «أَخْرَسَ» (لال)، «أَنْهَى» (کور، نایینا)

مثال‌های فوق همگی بر وزن «أله» هستند اما چون بر رنگ و عیب دلالت دارند، نمی‌توان آن‌ها را اسم تفضيل به شمار آورد.

﴿نکته ۲﴾: گاهی اسم تفضيل (بدون ال) شبیه فعل ماضی باب «إِفْعَالٌ» می‌شود در چنین موردی باید به معنی جمله دقت کنیم.

(اسم تفضيل) ← **مُثَالٌ**: فَوَادْ أَحَدْ سُنْ الطَّلَبْ: فَوَادْ بِهَرِيرَانْشَ آمُوزَانْ است.

(فعل ماضی) ← **مُثَالٌ**: فَوَادْ أَحَسَنْ لِاصْدَقَائِهْ: فَوَادْ بِهِ دُوْسَانْشَ نِيكِیَ كَرَدْ.

﴿نکته ۳﴾: هرگاه دو طرف مقایسه مؤنث باشند از «أله» برای بیان برتری استفاده می‌شود.

﴿مُثَالٌ﴾: زَهْرَاءُ أَطْهُونْ مَرِيمَ زَهْرَا كَوْجَكْ تَرْ ازْ مَرِيمَ است.

* **اسم تفضيل برای مؤنث زمانی** بر وزن «هُلَهِ» می‌آید که بخواهیم برای آن اسم مؤنث، صفت بیاوریم.

﴿مُثَالٌ﴾: جاءَتْ فَاطِمَةُ الصُّوْبَىْ: (فاطمه کوچک‌تر آمد).
اسم تفضيل مؤنث

﴿نکته ۴﴾: «أَهْلٌ» اسم تفضيل مذکور و مؤنث آن «أَوْلَى» می‌باشد. (نخستین)

﴿نکته ۵﴾: کلمه «آخَ» اسم تفضيل مذکور و مؤنث آن «لُؤْخَى» است. (دیگری)



* کلمه «آخو» اسم فاعل مذکو است و مؤنث آن «آخوه» است.

مثال: الثنيا مزرعة الآخرة.

اسم تفضيل
برای مؤنث

نکته ۶: گاهی وزن اسم تفضیل به شرح زیر است؛ کلماتی همچون أقل (کمتر، کمترین)، أشد (شدیدتر، شدیدترین)، أحب (محبوبتر، محبوبترین)، أعلى (بلندتر، بلندترین)، أعلى (گرانتر، گرانترین)، أهم (مهمتر، مهمترین) اسم تفضیل هستند.

نکته ۷: اسم تفضیل، دو معنی تر و ترین دارد. اما اگر پس از آن ون (حرف جر به معنای «از») بیاید، به صورت «تر» ترجمه می‌شود. (صفت برتر)

مثال: غُرْتَقِيْ أكُونِيْ غُرْفَةٌ تِكَافَقَ مِنْ إِذَا تِاقَ تُوْ بِزَرْكَ تِرَ

* اگر پس از اسم تفضیل حرف ون نیاید معمولاً به صورت «ترین» ترجمه می‌شود. (صفت برترین)

مثال: أخى أحْسَنْ طَبِيبٍ بِرَادِرَم بِهِرِينْ بِرَشِكَ است.

نکته ۸: جمع اسم تفضیل بر وزن أفعال است؛ در عبارت زیر به دو کلمه «الأرأى و الأفاظِ» دقت کنید.

مثال: إِذَا مَلَكَ الأرأى هَلْكَ الأفاظِ.

جمع مکتو ألى جمع مکتو أقل

نکته ۹: دو اسم «خير و شر» اگر به معنی «بهترین و بدترین» و «بهتر و بدتر» باشند، اسم تفضیل هستند.

مثال: أُولَئِكَ خَيْرُ اللّٰسِ. (آنان بهترین مردم هستند).

مثال: هُمْ شَرُّ الْأَوْلَادِ. (آنها بدترین فرزندان هستند).

* «خير و شر» گاهی در معنای وصفي هستند؛ نیک، بد

مثال: لُهُوا أَعْمَالُ الْخَيْرِ. (کارهای نیک انجام دهید).

مثال: عَمَلُ مُكْلَلَشُرَّهِرُنَا. (کار بد تو به ما آسیب می‌رساند).

* «خير و شر» گاهی در معنای صدر هستند؛ نیکی، بدی

مثال: أَنَا لُحْبُ الْخَيْرِ (من نیکی (کردن) را دوست دارم).

مثال: يَا رَبِّ أَعْلَمُ بِمَنِ الشَّرِّ (پروردگارا مرا از بدی (کردن) دور کن.).

ترجمه «قد»:

* «قد» حرفی است که بر سر فعل ماضی و مضارع می‌آید.

* هرگاه بر سر فعل مضارع باید معنی تقلیل (شاید، به ندرت، گاهی) می‌دهد.





﴿مَثَلٌ﴾ قد يَتُوبُ الْكَافُور (بدرت کافر توبه می‌کند.)

مضارع

* هرگاه بر سر فعل ماضی بیاید فعل، معادل ماضی نقلی فارسی ترجمه می‌شود.

﴿مَثَلٌ﴾ قد اجتَنَبَ الْمُؤْمِنُ مِنَ الْجُنُونِ مِلْمَوْمَةً از خودپستی دوری کرده است.)

ماضی

اسم المكان:

اسم مکان، اسمی است که بر مکان دلالت می‌کند و غالباً دارای سه وزن است:

۱. ئُلُّ، مانند: ھُك (دفتر)

۲. ھُلُّ، مانند: ڪَمِيد (محل سجدہ)

۳. ھُمَّ، مانند: ڪَهْوَة (محل درس خواندن)

* جمع اسم مکان بر وزن « ھَالِي » می‌آید.

ھُلُلُ ← ھَالِي / ھُمَّ ← طَاعِم

بِكْرٌ





پرسش‌های چهارگزینه‌ای

درس ۱

■ عَنِ الْأَصْحَّ وَ الْأَدْقِ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجِمَةِ أَوِ الْمُفْهُومِ (۵۰ - ۱)

۱. ﴿جِئْتُمْ بِكُثُرًا مِنَ الظُّنُنِ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُنِ إِلَّا مُ

(۱) از گمان‌های بسیار دوری کنید زیرا برخی از آن‌ها گناه هستند.

(۲) بسیار از گمان دوری کردند زیرا آن گمان‌ها گناه بودند.

(۳) از گمان بردن بسیار دوری کنید همانا برخی از گمان‌ها] گناه هستند.

(۴) از گناه بسیار باید دوری کنید همانا برخی از آن‌ها زشت هستند.

۲. «عَيَّتَا أَنَّ بَعْلَمَنَقَ الْيَغْةَ لَاهَا إِنَّ أَسْبَابِ قَلْعَةِ التَّوَاحُلِ بَيْنَ اللَّهِ»:

(۱) ما همیشه باید از غیبت کردن دور باشیم چه بسا آن از علل مهم بریدن روابط میان مردم باشد.

(۲) ما از غیبت دوری می‌کنیم چرا که از مهم‌ترین علت‌های قطع رابطه میان مردم می‌باشد.

(۳) بر ماست که از بدگویی دوری گزینیم زیرا آن از دلایل مهم بریدن ارتباط میان انسان‌هاست.

(۴) ما باید از غیبت کردن دوری کنیم زیرا آن از مهم‌ترین علت‌های بریدن پیوند میان مردم است.

۳. «بَئْسَ الْعُلُوُّ الْعَجْبُ فَهُوَ كَبَائِرُ الدُّنُوبِ وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ»:

(۱) عیوب جویی چه عمل بدی است، پس آن بزرگ‌ترین گناهان و یک اخلاق زشتی است.

(۲) خودپستی چه کار بدی است، پس آن از گناهان بزرگ و از اخلاق‌های زشت است.

(۳) چه بد است خودخواه بودن، زیرا آن از بزرگ‌ترین گناهان و از عادت‌های بد است.

(۴) کار عجیب و شگفت بسیار بد است، پس آن بزرگ‌ترین گناه و از اخلاق‌های زشت است.

۴. عَنِ الصَّحِّيحِ:

(۱) لَا تَجْسِّسُوا وَ لَا تَنْتَهِيْ بِعْنُوكُمْ عَبْضًا تجَسِّسُ نَكْنِيْد وَ بَرْخِيْ نَبَايِد بَرْخِيْ رَا تَحْقِيرَ كَنْنِد.

(۲) أَيْحُبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَتَّ!؛ آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده، بخورد؟!

(۳) أَكْبُرُ الْعِيَّبِ أَنَّ تَعِيَّبَ مَا فِيكَ مُهَلَّ بَزَرْگَ تَرِينَ عَيَّبَهَا اِينَ اِسْتَ کَه عَيَّبَ نَشْمَارِيَ آنَّ چَه رَا کَه مَانَدَش در تو اِسْت.

(۴) لَا تَلْقَوْا الْآخَرِيْنَ أَلْقَابَ كِيرْهُونَهَا: دیگران را به لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌شمارید، لقب ندهید.





۵. عن الخطأ

(۱) عَسَى أَنْ يَكُونَ اسْتِهْزَاءً وَ احْتِقَارُ اللَّسِّنِ أَكْبَرُ الْعَيُوبِ شَايدِ رِيشْخَنْدِ كِرْدَنْ وَ تَحْقِيرُ كِرْدَنْ مِرْدَمْ اَزْ بَزْرَگِ تَرِينْ عَيْبَهَا باشَد.

(۲) قَدْ حَذَّلَ الْقُرْآنُ نَبْتَعِدَعْ تَسْمِيَةِ اللَّسِّنِ بِالْأَسْمَاءِ الْقَيْحَةِ قُرْآنِ مَا رَا نَصِيْحَتْ كِرْدَهْ كَهْ اَزْ نَامْ گَذَارِيْ مِرْدَمْ بِاسْمَهَا زَشْتِ دُورِيْ كَنِيْمِ.

(۳) قَدْ يَكُوْنُ فِي الْأُسْرَةِ هَوْ أَكْبَرُ مُلْكَ قَعْنَلْيَا حِبْرَاهِ: شَايدِ درْ خَانَوَادَهِ، كَسِيْ اَزْ مَا بَزْرَگِ تَرِ مَيْ باشَد، پَسْ مَا بَايدِ بَهْ اوْ احْتِرَامِ كَنِيْمِ.

(۴) رُّجَّا سُوْءَ الظَّنْ أَىْ إِلَى فَضْلِهِ رُوْهَذَا أَقْبَحِ الذَّنْوَبِ قَطْعَابِدَگَمَانِهَا بِهِ رَسْوَابِيِّ اَنْسَانِ مَيْ اِنجَامَدِ وَ اِينِ اَزْ بَزْرَگِ تَرِينْ گَنَاهَانِ اَسْتِ.

۶. «يُؤَكِّدُ فِي الْقُرْآنِ أَنَّ مِنْ وَلِيْخَا السَّعْيُ فِي سَبِيلِ الْاِسْتِفَادَهِ الصَّحِيحَهِ مِنَ الْغَمِ الْإِلَهِيَّهِ لِلَّسِّيرِ نَحْوَ الْكَمَالِ»: (سِرَاسِرِی ۸۷)

(۱) قُرْآنِ بِهِ مَا تَأْكِيدِ مَيْ كَنِدْ كَهْ اَزْ وَظَاعِيفِ مَا سَعِيْ وَ كَوشَشِ درْ رَاهَهَايِ استِفَادَهِ اَزْ مَوهَبَتَهَايِ الْهَيِّ وَ تَحْرِكِ بِهِ سَمَتِ كَمالِ مَيْ باشَد!

(۲) در قُرْآنِ تَأْكِيدِ مَيْ شَوَدْ كَهْ سَعِيْ وَ كَوشَشِ درْ رَاهِ استِفَادَهِ صَحِيحِ اَزْ نَعْمَتَهَايِ الْهَيِّ بِرَاهِيِ حَرْكَتِ بِهِ سَوَى كَمالِ بِرِ ما لَازِمِ استِ!

(۳) تَأْكِيدِ قُرْآنِ اَيْنِ اَسْتِ كَهْ بِرِ ما لَازِمِ استِ كَهْ درْ رَاهِ کَارِبَرِدِ صَحِيحِ نَعْمَتَهَايِ الْهَيِّ وَ تَحْرِكِ بِهِ سَمَتِ رَشَدِ وَ كَمالِ سَعِيْ كَنِيْمِ!

(۴) در قُرْآنِ تَأْكِيدِ شَدَهِ اَسْتِ كَهْ اَزْ وَاجِباتِ ما تَلَاشِ درْ مَسِيرِ کَارِبَرِدِ صَحِيحِ اَزْ نَعْمَتَهَايِ الْهَيِّ وَ حَرْكَتِ بِهِ سَوَى كَمالِ مَيْ باشَد.

۷. «إِلَيْمِ الْمَاطِرِ ظَاهِرَهُ جَمِيلَتَهُ تَكُونُ مِنْ الْأَلوَانِ الْمُخْتَلِفَاتِ جَعْلُ السَّمَاءِ خَلِيلًا»: (سِرَاسِرِی ۸۷)

(۱) پَدِيدَهَايِ زَيَّبَا درْ رَوزَهَايِ بَارَانِي درْ آسَمَانِ وجودِ دَارَدْ باْ رَنْگَهَايِيِ مَتَنْوَعِ وَ آسَمَانِيِ دَيْدَنِيِ وَ دَلْرَبَا!

(۲) رَوزَهَايِ بَارَانِي پَدِيدَهَايِ زَيَّبَا دَارَدْ كَهْ اَزْ رَنْگَهَايِ مَخْتَلِفِ كَهْ آسَمَانِ رَا دَلْرَبَا مَيْ كَنِدْ، تَشْكِيلِ مَيْ شَوَدْ!

(۳) رَوزَهَايِ بَارَانِي پَدِيدَهَايِ زَيَّبَا اَزْ رَنْگَهَايِيِ مَتَفَاقِوْتِ تَشْكِيلِ مَيْ دَهَدَهِ وَ آسَمَانِ رَا زَيَّبَا مَيْ سَازَدَهِ وَ چَشَمَ رَبَا!

(۴) پَدِيدَهَايِ زَيَّبَا بَرَاهِيِ رَوزَهَايِ بَارَانِي اَسْتِ كَهْ آسَمَانِ بِهِ سَبَبِ آنِ دَلْرَبَا شَدَهِ وَ رَنْگَهَايِيِ مَخْتَلِفِيِ بِهِ وَجَودِ مَيْ آورَدِ!

۸. «عَيْلَا أَنْتَسِعِي إِلَيْ سَتْفَادَهِ مِنَ النِّعَمِ الْإِلَهِيَّهِ طَرِيقِ حَرْكَتِنَا نَحْوَ الْكَمَالِ»: (سِرَاسِرِی ۸۷)

(۱) بِرِ مَاستِ كَهْ بَرَاهِيِ استِفَادَهِ اَزْ نَعَمِ الْهَيِّ وَ رَسِيدَنِ بِهِ كَمالِ وَ رَشَدِ سَعِيْ وَ تَلَاشِ كَنِيْمِ!

(۲) ما بَايدِ بَرَاهِيِ استِفَادَهِ اَزْ نَعْمَتَهَايِ الْهَيِّ درْ رَاهِ حَرْكَتِمَانِ بِهِ سَوَى كَمالِ سَعِيْ وَ تَلَاشِ كَنِيْمِ!

(۳) ما بَرَاهِيِ بَهْرَهَمَدِيِ اَزْ مَواهِبِ الْهَيِّ درْ طَرِيقِ حَرْكَتِ بِهِ سَعَادَتِ وَ كَمالِ خَوِيشِ بَايدِ كَوشَشِ كَنِيْمِ!

(۴) بِرِ ما لَازِمِ استِ كَهْ جَهَتِ بَهْرَهَورِيِ اَزْ نَعْمَتِ خَدَائِيِ درْ حَرْكَتِ خَوِيشِ بِهِ سَمَتِ رَشَدِ وَ كَمالِ سَعِيْ كَنِيْمِ!

مبتكرا

رُوحِ زَيَّبَانِ آنِ بَازَدَهِ





(سراسری ۸۷)

۹ «كَانَ الْبَاحثُونَ الْمُسْلِمُونَ يَهَاجِرُوْلَيْتَى الْقَاطِنُونَ عِيَدَةَ مِنَ الْأَرْضِ لِاِكْتِشافِ أَسْرَارِ الْكَوْنِ»:

(۱) پژوهشگران اسلامی به مناطق دوردستی از زمین برای کشف راز هستی سفر کرده‌اند.

(۲) محققان مسلمان برای کشف اسرار هستی به نقاط دوردست زمین مهاجرت می‌کردند.

(۳) جستجوگران اسلامی به اقصی نقاط زمین برای به دست آوردن رازهای جهان مسافت کرده بودند.

(۴) تحقیقگران مسلمان بودند که به مناطق دوردست زمین برای اکتشاف اسرار دنیا مهاجرت نمودند.

(سراسری ۸۹)

۱۰. عن الخطأ

(۱) الظُّلُمُ عَلَى الْغَيْفِ أَقْبُحُ الظُّلُمِ وَ هَذَا الْعَمَلُ مَذْمُومٌ: ظُلُمٌ بِرٌّ ضَعِيفٌ، زَشْتَرِينَ ظُلُمٌ أَسْتُ وَ إِنْ كَارَ نَاضِنَدَ أَسْتَ!

(۲) الزَّاهِدُونَ يَجْتَنِي بِالْخَطِيئَاتِ وَ هُولَاءِ مَحْبُوبُونَ عِنْدَ اللَّهِ: زَاهِدُونَ ازْ خَطَاهَا دُورِي مَيْكَنَنَدَ، وَ إِنْهَا يَيْشَ خَدَا مَحْبُوبِنَدَ!

(۳) النَّاسُ كُلُّ نَبُوقٍ قَلِيلٌ فِي هُؤُلَاءِ الْذَّنَبِينَ يَتُّ وَبُوَانَ مَرْدَمَ گَنْهَمِي كَنَنَدَ وَ عَلَّهَ كَمِي ازْ اِنْهَا گَناهَكَارَانَيِ هَسْتَنَدَ کَه

تَوْبَهَ مَيْكَنَنَدَ!

(۴) يَعْبُدُ الْمُعَابِدُونَ اللَّهُ فِي الْلَّيلِ الْمُظْلَمِ هَذَا الْلَّيلُ كَسِّتَلَمْ!: عَابِدانَ خَدَا رَا درْ شَبَ تَارِيَكَ عَبَادَتَ مَيْكَنَنَدَ وَ إِنْ شَبَ مَانَدَ

پُوشَشِی بِرَاهِ آنَهَاستَ!

(سراسری ۸۷)

۱۱. عن الصحيح:

(۱) فِي مَدْرِسَتِنَا تَخَصُّصُ ثَلَاثُ جَمَلَ سَاتِيَةَ عَلِيمِ اللُّغَةِ الْعَالِمِ رَبِّيَّدَ مَدْرِسَهَ مَا هَشْتَ جَلَسَهَ بِهِ آمْوَزَشَ زِيَانَ عَرَبِيَ اختِصَاصَ يَافَتَهَ أَسْتَ.

(۲) فَارَّ تَلَمِيَذَا نِ اثْنَانِ فِي بَيْنِ سَتِّهِ طَلَبِ فِي مُسَابِقَةِ حَفْظِ الْقُرْآنِ ازْ مِيَانِ شَشِ دَانِشَ آمُوزَ شَرِكَتَكَنَنَدَهَ درْ مُسَابِقَةِ حَفْظِ الْقُرْآنِ دَوَّيَنَ نَفَرَ بِرَنَدَهَ شَدَ.

(۳) هُدَيْتُ لِلْحُضُوفِيَ حَفْلَةً عَظِيمَتَسْتَبَعَةَ بُعْدَ ثَلَاثَةَ أَلْيَمِ بِرَاهِ حَضُورَ درْ جَشَنَ بَزَرَگَیِ کَه سَهَ رَوْزَ دِيَگَرَ بِرَگَزَارَ خَواهدَ شَدَ دَعَوتَ شَدَمَ.

(۴) صَبَاحَ الْيَوْمِ كَانَ تِسْعَةُ طَلَبَ يَنْتَظِرُونَ زِيَارَةَ أَحَدِ أَصْدِقَائِيِ: صَبَحَ امْرُوزَ، هَفْتَ دَانِشَ آمُوزَ مَنْتَظَرَ دِيَدَنَ يَكِيَ از دُوَسْتَانَ خَودَ بِوَدَنَدَ.

(سراسری ۸۸)

۱۲. قد أثبت الاكتشافُ الحديثُ أنَّ كُلَّاً مِنَ الْأَلْوَانِ يَجْتَقِي فِي أَعْمَالِ الْبَحْرِ يُبَيِّبُ جَزِئًا مِنَ الْظُّلَمَاتِ:

(۱) كَشْفَيَّتْ تَازَهَ ثَبَتَ کَرَدَهَانَدَ کَه هَمَهَ رَنَگَهَايِ پَنهَانَ، عَلَتَیَ بِرَاهِ تَارِيَکَیِ درَ اعْمَاقَ درِيَاها مَيِ باشَنَدَ!

(۲) درَ كَشَفَهَايِ تَازَهَ ثَبَتَ شَدَهَ استَ کَه هَرَ رَنَگَهَايِ مَخْفِيِ درَ عَمَقَ درِيَا، سَبَبَ قَسْمَتِيِ از تَارِيَکَیِ آنَ مَيِ شَوَدَ!

(۳) اَكْتِشَافَاتِ جَدِيدَ ثَبَتَ کَه هَرِيَکَ از رَنَگَهَا کَه درَ اعْمَاقَ درِيَا پَنهَانَ مَيِ گَرَددَ، قَسْمَتِيِ از تَارِيَکَیِ آنَ رَا سَبَبَ مَيِ شَوَدَ!

(۴) درَ اَكْتِشَافَهَايِ جَدِيدَ ثَبَتَ شَدَهَ استَ کَه هَمَهَ رَنَگَهَا کَه درَ اعْمَاقَ درِيَا مَخْفِيِ شَدَهَ استَ باعَثَ جَزِئَيِ از ظُلْمَتِ درِيَا مَيِ گَرَدَنَدَ!



**بیکران****میرزا زبان از زبان**

(سراسری ۸۹)

۱۳. «يَأَيُّ الْكَافِرُوْمِ الْقِيَامَةُ أَنْ أَعْمَالَهُ السَّيِّئَةَ تَشْهَدُ عَلَيْهِ، وَلَا يُبَدِّلُنَّ ذَلِكَ!»:

- (۱) انسان کافر روز قیامت را در حالی که اعمال بدش علیه او شهادت می دهن، خواهد دید، و راه فراری هم ندارد!
- (۲) کافر روز قیامت را می بیند که کارهای بد او بر ضدّوی شاهد هستند، و هیچ راه چاره‌ای برای او نیست!
- (۳) انسان کافر روز قیامت را می بیند که اعمال بد گواه او شده است، و راه گریزی هم از آن ندارد!
- (۴) کافر روز قیامت می بیند که اعمال بدش علیه او شهادت می دهن، و چاره‌ای هم از آن نیست!

(سراسری ۸۹)

۱۴. «بَعْضُ الْمَوَادِ الْغَذَائِيَّةِ مَوْتَّفَىٰ إِذْ دِيَادٌ قُدْرَةَ الْمُعَلَّمِ بِسَبِّبِ مَيْرَاهَا الْخَاصَّةِ»:

- (۱) بعضی مواد غذایی در افزایش نیروی آموزش بهدلیل بر جستگی ویژه‌ای که دارند مؤثر می باشند!
- (۲) برخی مواد غذایی به سبب ویژگی مخصوص به خود در رشد قدرت یادگیری مؤثر واقع می شوند!
- (۳) بعضی مواد غذایی به سبب ویژگی‌های خاص خود در افزایش قدرت یادگیری مؤثر می باشند!
- (۴) برخی مواد غذایی در بالا بردن نیروی آموزش به علت خصوصیت ویژه آن مؤثر واقع می شوند!

(سراسری ۹۰)

۱۵. «إِنَّ هَنَاكَ مَفَاهِيمَ بَسِيِّطَةً طَقَىَ الْقُرْآنُ نُدْرُّهَا وَلَكِنَ لَا زَقْدِلَنَّ ضَفَّهَا»:

- (۱) مفاهیم ساده‌ای که در قرآن است قابل فهم برای ما می باشند ولی قابل وصف نیستند!
- (۲) در قرآن مفاهیم ساده‌ای وجود دارد که درکش می کنیم ولی قادر به توصیف نیستیم!
- (۳) ما مفاهیم ساده‌ای را که در قرآن است هر چند درک می کنیم ولی قادر نیستیم آنها را وصف کنیم!
- (۴) قرآن مفاهیمی دارد که هر چند ساده است و قادر به فهم آن هستیم اما برای ما قابل وصف نیستند!

(سراسری ۹۰)

۱۶. «الْأَفْضُلُ لِلْمَطْلُبِ يَنْتَخِبُ فَرَعَهُ الْجَامِعِيُّ بِلَدْقَحْقَى لَا يَنْدِقُّ الْمُسْتَقْبَلِ»:

- (۱) دانش آموز باید رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند که بعد اپشیمان نشود!
- (۲) دانش آموز خوب، رشته دانشگاهی خود را دقیق انتخاب می کند که در آینده دچار پشیمانی نشود!
- (۳) بهتر برای دانش آموز این است که رشته دانشگاهی خود را با دقت انتخاب کند تا در آینده پشیمان نشود!
- (۴) برای هر دانش آموزی بهتر این است که رشته دانشگاهی خود را دقیقاً انتخاب نماید تا بعد ادچار پشیمانی نشود!

(سراسری ۹۰)

۱۷. «جِهَاسِ مُبْلِلُهُ الْخَلْمَعَلِيٰ كَثُرَتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَمَا يَرْزُهُمْ عَلَىٰ شَكَّهُمْ فِي اللَّيْلِ»:

- (۱) روز قیامت حسابرس همه مردم خداوند می باشد، به گونه‌ای که در دنیا همه آنها را روزی عطا می کند!
- (۲) روز قیامت خداوند به حسابرسی اکثربت خلق می پردازد، همچنان که اکثربت آنها را در دنیا روزی عطا می کند!
- (۳) خداوند به حساب مردم در روز قیامت می رسد، هر چند تعدادشان کثیر است، چنان که در دنیا نیز با توجه به کثرشان به آنها روزی داده می شود!
- (۴) خداوند مردم را با وجود بسیار بودن تعداد آنها، روز قیامت محاسبه می کند، همان‌طور که آنها را با وجود بسیار بودن تعدادشان، در دنیا روزی می دهد!